



(۱۳۵۸ و ۱۳۶۱ تا ۱۴۰۰)

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

زندگی در
استادان

مقصود فراغتخواه

سرشناسه: فراستخواه، مقصود، ۱۳۳۵ - **عنوان و نام پدیدآور:** استادان استادان چه کردند؟ تاریخ دارالمعلمین و دانشسرای عالی (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۷)؛ مقصود فراستخواه • **مشخصات نشر:** تهران، نشرنی، ۱۴۰۰ • **نوبت چاپ:** چاپ اول، ۱۴۰۰ • **مشخصات ظاهری:** ۴۱۶ ص • **شابک:** ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۰۵-۱ • **وضعیت فهرست‌نویسی:** فیبا • **یادداشت:** بالای عنوان: تاریخ اجتماعی و فرهنگی نهادهای علم‌آموزی معاصر در ایران؛ عنوان دیگر: تاریخ دارالمعلمین و دانشسرای عالی (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۷)؛ عنوان دیگر: تاریخ اجتماعی و فرهنگی نهادهای علم‌آموزی معاصر در ایران • **موضوع:** آموزش عالی - ایران - تاریخ، Education, Higher - Iran - History؛ تربیت معلم - ایران - تاریخ، Teachers - Training of - Iran - History؛ دانشگاه‌ها و مدارس عالی معلمان - ایران - تاریخ، Teachers Colleges - Iran - History • **رده‌بندی کنگره:** LA۱۳۵۳ • **رده‌بندی دیویی:** ۳۷۸/۵۵ • **شماره کتابشناسی ملی:** ۸۶۷۴۷۲۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

استادان استادان چه کردند؟

تاریخ دارالمعلمین و دانشسرای عالی

(از ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۷)

تاریخ اجتماعی و فرهنگی نهادهای علم‌آموزی معاصر در ایران

مقصود فراستخواه

صفحه‌آرا: الهه خلیج‌زاده

لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۰، ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۰۵-۱

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreni.com • email: info@nashreni.com • nashreni

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه. دارالمعلمین عالی و حافظه تاریخی تجدد ایرانی
۱۵	با کاروان علم در ایران
۱۷	دارالمعلمین: اخگری از مدرنیته ایرانی
۱۸	کارنامه دارالمعلمین
۲۳	فصل اول. تبارنامه نهاد مدرن آموزش عالی در ایران
۲۳	آن سوی انحطاط ایرانی: گندی شاپور
۲۳	آیا عقب ماندگی تقدیر تاریخی ایران بود؟
۲۴	گندی شاپور: گواه روح فرهنگی و تمدنی ایران
۲۶	شمه ای از خصایص گندی شاپور
۲۸	از دارالحکمه تا دارالمعلمین
۲۸	توضیحی در علل پیدایش و برآمدن نهادهای علمی و آموزشی در تاریخ ایران
	مؤلفه اول: ابتکارات کنشگران مرزی ۲۹؛ مؤلفه دوم: رشد شهرنشینی به عنوان زمینه سکونتگاهی و زیست بوم علم ۳۱؛ مؤلفه سوم: منابع هیجانی و پویایی شناسی اجتماعی ۳۳؛ مؤلفه چهارم: محیط جهانی پیرامونی و برانگیزاننده، و تعاملات بین المللی مثبت و خلاق ۳۴؛ مؤلفه پنجم: چهار خصیصه در دولت ۳۶؛ مؤلفه ششم: روح فرهنگی تلفیق گر، ترکیب دهنده در ایران (پدیده ایرانی- جهانی) ۴۰
۴۰	این سوی انحطاط ایرانی: دارالمعلمین

- ۳۶۱.....سنخ‌شناسی تیپ ایدنال استادان در دوره سوم و عبور از بحران
- ۳۶۳.....تیپ ایدنال اول: استادان نهادساز
عبدالکریم قریب گرکانی ۳۶۵
- ۳۶۵.....تیپ ایدنال دوم: استاد فیلسوف شاگردپرور
محمود هومن ۳۶۵
- ۳۶۶.....تیپ ایدنال سوم: استاد جامعه‌شناس چپ مردم‌مدار و اثرگذار
امیرحسین آریانپور ۳۶۷
- ۳۶۸.....تیپ ایدنال چهارم: استادان محقق پراثر و پربار
محمدجواد مشکور ۳۶۹؛ محمدجعفر محبوب ۳۶۹؛ سیدضیاءالدین سجادی ۳۷۰؛ حسن انوری ۳۷۰
- ۳۷۱.....تیپ ایدنال پنجم: استاد منتقد منکوب، ولی ققنوس صفت
محمدرضا باطنی ۳۷۱
- ۳۷۲.....تیپ ایدنال ششم: استاد منتخب برای ریاست دانشگاه
محمد مشایخی ۳۷۲؛ جعفر شاد ۳۷۲
- ۳۷۷.....تیپ ایدنال هفتم: استاد منصوب به وزارت معارف
غلامحسین شکوهی ۳۷۸
- ۳۷۹.....تیپ ایدنال هشتم: استادان مدعو ممتاز
محمدرضا شفیع کدکنی ۳۷۹
- ۳۸۰.....نتیجه‌گیری: فرایند دقیق و روال‌های هنجارین جذب هیئت علمی در دهه چهل
- ۳۸۱.....دانشجویان و دانش‌آموختگان
- ۳۸۱.....زندگی دانشجویی و فرصت‌های رشد
- ۳۸۴.....شماره‌ای از دانش‌آموختگان
محمدباقر ساروخانی ۳۸۵؛ علی محمد حق‌شناس ۳۸۵؛ محمد مهدی جعفری ۳۸۶؛ توفیق سبحانی ۳۸۷؛ منوچهر آتشی ۳۸۷؛ عبدالحسین نقیب‌زاده ۳۸۸؛ اسماعیل خویی ۳۸۸؛ علی اشرف درویشیان ۳۸۹؛ و دیگر دانش‌آموختگان ۳۸۹
- ۳۹۴.....پیوست
- ۳۹۷.....منابع

مقدمه

دارالمعلمین عالی و حافظه تاریخی تجدید ایرانی

با کاروان علم در ایران

علم‌آموزی و علم‌ورزی مدرن در ایران داستان دلکش اما پرتشی است. علم‌آموزی جدید بخشی از طرح بزرگ‌تری است که می‌توان از آن به «ارتشانی نام علم ایران معاصر» تعبیر کرد، که اندکی بعد درباره‌اش بیشتر سخن خواهیم گفت. علم‌ورزی مدرن در ایران فضایی بی‌غصه نبود. در این کتاب، با فرازونشیب‌های این کاروان طی چند منزل از منازل سلوکش همراهی می‌کنیم.

خاستگاه بحث در کتاب حاضر یکی از نخستین نهادهای آموزش عالی در ایران است: دارالمعلمین. در این نهاد، پیشروترین آموزش‌های بعد از متوسطه در ایران ارائه شده است. در کلاس‌های دارالمعلمین، استادان استادان این سرزمین درس داده‌اند. بزرگانی پشت نیمکت‌های دارالمعلمین نشستند، تحصیل کردند و آنگاه خود از نخستین استادان نسل برجسته دانشگاهیان ایران شدند. در آزمایشگاه دارالمعلمین، اولین تحقیقات علوم پایه در سطح بعد از متوسطه و دانشگاهی آغاز شد، نخستین لذت‌های پرسشگری و دانایی نوین ایرانی به‌همراه تنش‌های تردیدآمیز فلسفی و شک علمی در فضاهایش تجربه شد و زمزمه معرفتی پی‌درپی در عمق ذهن و جان استادان و دانشجویانش طنین انداخت: «آهان! الآن فهمیدم، وه که در این‌جا هنوز هم پرسشی به‌قوت خود باقی است.»

در سال تحصیلی ۱۲۹۷-۱۲۹۸ اتفاق مهمی افتاد: تأسیس «دارالمعلمین مرکزی» - خانه‌ای برای تربیت معلم در ایران که در کمال تعجب سر پا ماند و این خلاف‌آمد عادت بود، چراکه جامعه ایرانی معروف است به ناپایداری. اما دارالمعلمین همچنان ایستاد و باقی ماند و رشد کرد و تناور شد. در سال ۱۳۰۷، این نهاد به «دارالمعلمین عالی» و در ۱۳۱۲ به «دانشسرای عالی» ارتقا یافت. دانشسرا در ۱۳۱۳ (در دوره تأسیس دانشگاه تهران)، ضمن این‌که خود هسته اولیه دانشگاه را فراهم می‌آورد، تبدیل شد به جزئی

از دو دانشکده آن: بخش «ادبیات و علوم انسانی» اش جزو دانشکده ادبیات شد و «بخش علوم پایه» اش ضمیمه دانشکده علوم گشت.

دانشسرای عالی فلسفه وجودی خاصی داشت و متمایز از تربیت معلم بود. تنوع و تکثر نهادها و مؤسسات آموزش عالی در هر جامعه‌ای می‌تواند معرف توسعه علمی و آموزش دانشگاهی آن جامعه باشد، البته به شرط کیفیت و پاسخگویی اجتماعی به نیازهای واقعی. وجود دانشسرای عالی و دانشگاه تهران با هم مصداق قابل قبولی از تنوع معنادار در آموزش عالی است. از این رو، در ۱۳۳۴ دانشسرای عالی — با وجود پیوند با دانشگاه تهران — همچنان با عنوان سابقش کار تربیت دبیر در دو حوزه اولیه، یعنی «بخش ادبیات و علوم انسانی» و «بخش علوم پایه»، را رأساً برعهده داشت. همین تمایز سبب شد دانشسرای عالی فلسفه وجودی و کیستی خاص خود را حفظ کند. نیز قانون مصوب ۱۳۳۸ در مجلسین استقلال دانشسرا را به رسمیت شناخت. از ۱۳۴۲ طبق ماده واحد هیئت وزیران، به این نهاد عنوان تازه‌ای دادند که از تمرکزگرایی و نگاه بوروکراتیک دولتی در هیئت وزیران آن دوره ناشی می‌شد: «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی». برای این سازمان چندین مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی به صورت وابسته تعریف کردند. این تصمیم در هیئت وزیران گرفته شد، آن هم در زمانی که هنوز وزارت علوم و آموزش عالی به صورت مستقل از وزارت آموزش و پرورش تأسیس نشده بود. به همین دلیل بعد از ایجاد وزارتخانه علوم در سال ۱۳۴۶، نام اصلی دانشسرای عالی با تصریح و تصویب قانونی به جای خود بازگشت.

دانشسرای عالی فلسفه اصیل تربیت معلم و هویت آکادمیک خود را در این فرازونشیب حفظ کرد. این نهاد چند سال بعد به دانشگاه تربیت معلم (۱۳۵۳) تبدیل شد و در عداد هفت هشت دانشگاه کشور در آن زمان قرار گرفت: دانشگاه‌های تهران، ملی، صنعتی آریامهر، تبریز، اصفهان، مشهد، پهلوی شیراز و جندی شاپور اهواز. دانشگاه تربیت معلم نهاد دانشگاهی مأموریت‌گرایی بود و فلسفه وجودی اش تربیت «معلم و مدیر و راهنمای آموزش و پرورش» بود. اکنون دیگر آن دانشگاه به آن صورت کار نمی‌کند، اما هنوز تبار اصلی این نهاد علمی با سابقه با همان فلسفه نخستین اوست که ارج و قرب می‌یابد: دانشسرای عالی و تربیت معلم که در حافظه تاریخی فرهنگ ایرانی ما ثبت است.

دانشسرای عالی، بی‌اختلاف نظر در میان محققان، جزو اولین و مهم‌ترین نهادهای آموزش عالی است. ساختار، ظرفیت، منابع انسانی و استادان دانشسرای عالی بودند که امکان تجمع و تأسیس اولیه دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ را برای نخبگان پیشرو ایرانی فراهم آوردند. دیرتر شرح خواهیم داد که چگونه هسته مرکزی دانشگاه تهران از دانشسرا نضج گرفت و با بهره‌گیری از امکانات معنوی و سرمایه‌های انسانی، فکری و نمادین دارالمعلمین و دانشسرا بود که دانشگاه تهران تأسیس شد (صدیق، ۱۳۵۵ در مشایخی و همکاران، ۱۳۵۵: ۵-۱۲). دریغا که وقتی نخستین نهادهای آموزشی پسمتوسطه و عالی در ایران معاصر را از نظر می‌گذرانیم، می‌بینیم امروز از برخی از آن‌ها هیچ اثری نیست: مدرسه سیاسی (۱۲۷۷)، مدرسه فلاح (۱۲۷۹)، مدرسه